

## اعتدال‌گرایی در سیره سیاسی امام باقر(ع)

آیت‌قبادی ۱

### چکیده

گفتمان اعتدال از اصول اساسی و مورد تأکید در سیره سیاسی ائمه اطهار علیهم السلام بوده است که می‌تواند در تبیین چارچوب گفتمان اعتدال مورد استفاده قرار گیرد. این پژوهش به دنبال بررسی و تحلیل اعتدال‌گرایی در سیره سیاسی امام باقر(ع) می‌باشد. نتیجه پژوهش گویای آن است که امام باقر(ع) در طول ۲۳ سال فعالیت با اعتدال سیاسی شیعه را از یکی از سخت‌ترین دوران‌های حیات خویش عبور داد؛ که برای این کار راهبردهایی شامل: عدم دخالت در جریان‌های سیاسی، سازماندهی فعالیت مخفیانه با تأکید بر اصل تقیه، تسامح فرهنگی، مبارزه منفی، تبیین ولایت اهل‌بیت علیهم السلام و اعتدال در مناسبات با خلفای اموی داشته است. روش پژوهش در این مقاله به‌صورت توصیفی تحلیلی است. که ابتدا با استفاده از شیوه کتابخانه‌ای مطالب گردآوری و دسته‌بندی شده و سپس مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته و یافته‌های پژوهش ارائه گردیده است.

**واژگان کلیدی:** امام باقر(ع)، اعتدال‌گرایی، سیره، اهل‌بیت علیهم السلام، تساهل.

### مقدمه

اعتدال به‌عنوان یک گفتمان سیاسی همیشه دارای اهمیت بوده است که در تحولات چند سال اخیر ایران به‌عنوان یک گفتمان مورد منتخب مردم مورد توجه جدی قرار گرفته و برای همین می‌طلبند این عنوان در سیره سیاسی ائمه اطهار علیهم السلام مورد مذاقه قرار گیرد و برای همین این موضوع به‌صورت اختصاصی در سیره سیاسی امام باقر(ع) مورد بررسی قرار گرفته است. در زمینه منابع تحقیق باید گفت که کتاب‌های مربوط به زندگانی و سیره امام باقر(ع) و از جمله کتاب الارشاد تالیف شیخ مفید از مهمترین منابع به شمار می‌رود. همچنین کتاب‌های مربوط به تاریخ تشیع و امامت نیز مطالبی را نوشته و بیان نموده‌اند. همچنین کتاب‌های حدیثی، کتب رجال، تواریخ عمومی و کتاب‌های مربوط به تاریخ خلافت اموی هم مطالبی را ذکر کرده‌اند.

### امام باقر(ع)

پنجمین امام شیعه، محمد بن علی بن حسین(ع) است که به باقر شهرت یافته است. (ابن سعد، ۱۳۷۴: ۹/۶) کتبه وی را بعضی ابو جعفر و برخی ابو جعفر اول خوانده‌اند. (امین عاملی، ۱۳۷۶: ۱۴) مادر آن حضرت، فاطمه دختر امام حسن بن علی(ع)

۱ دانشجوی دکتری تاریخ اسلام دانشگاه لرستان و کارمند دانشگاه ایلام. ayat1360\_gh@yahoo.com. ۰۹۱۸۱۴۳۰۳۱۲۱

است (حسنی، ۱۴۱۷ق: ۱۹۵) که زنی ممتاز بوده و در آل حسن(ع) نظیر نداشته است و امام باقر (ع) روایاتی درباره جایگاه معنوی مادر گرامیش بیان کرده است. (مسعودی، ۱۳۶۲: ۳۳۰) بدین ترتیب، امام باقر (ع) نخستین کسی است که پدرش از نسل امام حسین(ع) و مادرش از نسل امام حسن(ع) است. (اربلی، ۱۳۸۱: ۱۳۶/۲) امام باقر (ع) در اول رجب سال ۵۷ هجری متولد شده است. (کلینی، ۱۳۷۵: ۴۹۶/۱) یعقوبی از آن حضرت روایت می‌کند که فرمود: هنگامی که نیایم حسین (ع) به شهادت رسید، من چهارساله بودم و جریان شهادت آن حضرت و آنچه در آن روز بر ما گذشت؛ همه را به یاد دارم. (یعقوبی، ۱۳۷۱: ۳۲۰/۲) رحلت امام (ع) در هفتم ذی حجه سال ۱۱۴ در دوران خلافت هشام بوده است. (مالکی، ۱۳۰۳ق: ۲۲۱) امام محمد باقر (ع) بعد از شهادت امام سجاد (ع) در محرم سال ۹۴ هجری به امامت رسید، (کلینی، ۱۳۷۵: ۵۴۶/۳) که ادله امامت آن حضرت در کتب شیعه به طور مبسوط ذکر شده است. (عاملی، ۱۴۲۵ ق: ۱۵/۲۶۳؛ مسعودی، ۱۳۶۲: ص ۱۴۲) عثمان بن عثمان بن خالد گفته است: علی بن حسین (ع) در آن بیماری که از دنیا رفت، تمام فرزندان خود شامل: محمد (ع)، حسن، عبدالله، عمر، زید و حسین را جمع کرد و وصیت به فرزندش محمد بن علی (ع) نمود و او را «باقر» نامید و رسیدگی به کارهای خانواده خود را به او سپرد. (مجلسی، ۱۳۶۳: ۱۵۸/۴۶) همچنین عیسی بن عبد الله روایت کرده است: «حضرت علی بن حسین علیهم السلام در حال احتضار و در جمع یارانش صندوقچه‌ای به محمد باقر (ع) اهدا کرد و فرمود: محمد این صندوق را ببر به خانه‌ات، داخل صندوق طلا و نقره نیست؛ پر از علم و دانش است». (طبرسی، ۱۴۱۷ ق: ۲۶۰) مدت امامت امام باقر (ع) همزمان با حکومت ولید بن عبد الملک، سلیمان بن عبد الملک، عمر بن عبد العزیز، یزید بن عبد الملک و هشام بن عبد الملک بوده است. (مجلسی، ۱۳۶۳: ۳۲۹/۴۶) امام محمد بن علی (ع)، افزون بر لقب «شاکر» و «هادی» به طور عمده به لقب «باقر» شهرت یافته است. معنای باقر «شکافته» است که جابر بن یزید جعفی از اصحاب امام (ع) در توضیح آن گفته است: «زیرا آن حضرت علم را شکافت و رموز و دقائق آن را روشن ساخت». (صدوق، بی تا: ۱/۲۳۳) یعقوبی می‌نویسد: «بدان سبب باقر نامیده شد؛ که علم را شکافت». (یعقوبی، ۱۳۷۱: ۳۲۰/۲) همچنین جوهری در کتاب «صحاح» نوشته است: «تَبَقَّرَ یعنی گسترش علم و دانش و به محمد بن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب (ع) به خاطر گستردگی دانشش «باقر» و نیز او را «شاکر» و «هادی» می‌گفتند». (سبط بن الجوزی، ۱۳۷۹: ۴۴۴) جابر بن عبد الله انصاری روایتی در فضیلت امام باقر (ع) نقل کرده که به نوشته ابن شهر آشوب، فقهای مدینه و عراق، همگی آن را روایت کرده‌اند. (مجلسی، ۱۳۶۳: ۳۲۹/۴۶) شیخ مفید نوشته است: «امام باقر (ع) که نام شریفش چنانچه ذکر شد محمد است؛ از میان همه برادران به منصب خلافت الهی پس از پدر والاگهرش رسید و وصی او شد و امور امامت را پس از شهادت وی اداره می‌کرد و از همه‌شان فضیلت و علم و زهد و بزرگواریش بیشتر و برتر بود و همه کس او را به عظمت می‌ستود و عوام و خواص او را احترام می‌کردند و قدر و منزلتش از دیگران بیشتر بود و از هیچ یک از فرزندان حسن و حسین به اندازه او در خصوص علم دین و نشر آثار و سنت نبوی و حقائق قرآنی و سیرت الهی و فنون اخلاق و آداب، یادگارهای گرانبها و آثار خالده باقی نمانده؛ و از یاران پیغمبر همانها که مانده و درک محضر آن جناب را نموده، امور دینی و آئین اسلامی را از وی روایت می‌کردند و همچنین بزرگان تابعین و زمامداران فقهاء مسلمین از حضرت او بهره‌های بسیاری می‌بردند. بالاخره پایه فضل و بزرگواری آن

حضرت به جانی رسیده بود که در میان اهل علم و کمال ضرب المثل بود و سرایندگان، اشعار بسیاری در ستایش او میسرودند».  
(مفید، ۱۳۸۰: ۵۰۷/۲)

### امام باقر(ع) و اعتدال‌گرایی سیاسی

تاریخ گواه است که امام باقر (ع) در طول ۲۳ سال فعالیت با برگزیدن اعتدال سیاسی، شیعه را از یکی از سخت‌ترین دوران‌های حیات خویش عبور داده است که می‌توان در این زمینه به موارد ذیل اشاره کرد:

#### ۱- عدم دخالت در جریان‌های سیاسی

امام (ع) بعد از واقعه کربلا با سنجش دقیق امور اهتمام خود را بر بی‌طرفی و عدم دخالت در جریان‌های سیاسی گذاشت که در تمام زندگی مبارکش و امامت آن حضرت این وضعیت ادامه داشت. چنین موضعی از سوی امام(ع) با توجه به سیاستی که امام(ع) تا پایان امامت دنبال کرد، منطقی به نظر می‌رسد. امام (ع) پس از حادثه کربلا دریافته بود که امکان احیای این جامعه مرده با دست گرفتن رهبری آن وجود ندارد. به علاوه درگیر شدن در یک حرکت سیاسی دیگر، با وجود قدرت دیگر احزاب، خطراتی در پی داشت که به خطر آن نمی‌ارزید. به همین دلیل، ماهیت حرکت امام (ع) در دوران امامت، به خوبی نشان می‌دهد که حرکت امام(ع) تنها یک حرکت سیاسی نبوده و در بسیاری از موارد به وضوح بر کنار از سیاست به معنای مشخص فعالیت سیاسی بوده است. (خضری، ۱۳۹۱: ۱۵۱) امام باقر (ع) به دلیل شرکت نکردن در جریان‌های سیاسی، فاصله‌ای میان خود و حکومت اموی ایجاد کرد. آنان هیچ بهانه‌ای برای برخورد با امام (ع) نداشتند. با نگاه به سابقه مناسبات علویان و امویان، امام (ع) مورد سوء ظن شدید امویان بود و کوچک‌ترین حرکت از ناحیه حضرت، عواقب وخیمی در پی داشت که طبعاً در نظر امام (ع)، ارزش دست زدن به این اقدامات را نداشته است.

#### ۲- سازماندهی فعالیت مخفیانه با تأکید بر اصل تقیه

مهم‌ترین اصل دینی - سیاسی که امام (ع) با استفاده از آن، روزگار سیاسی خود را می‌گذراند، تقیه بود. سپهری که شیعیان در تاریخ، با استفاده از آن، حیات خویش را تضمین کرده و امام معصوم (ع) بارها و بارها شیعه را به این موضوع توجه می‌دادند. «البته کسانی که با داشتن آزادی نیازی بدان نداشته‌اند، با وجود صراحتی که در قرآن نسبت (قرآن کریم، سوره نحل، آیه ۱۰۶) بدان وجود دارد، آن را انکار کرده‌اند تا شیعه را تضعیف کنند. اهل سنت به دلیل در اختیار داشتن حکومت، نیازی به تقیه نداشته و تنها برای متهم کردن شیعه، تقیه را از حوزه احکام فقهی مسلم اسلامی خارج کردند. تکیه بر اصل تقیه گرچه قرآنی است، اما از لحاظ فقهی، بیشتر از ناحیه امامانی تأکید شد که خود گرفتار آن بودند. امام باقر (ع) واقعاً در شرایط سختی زندگی می‌کرد و جز تقیه راه دیگری نداشت. اساساً همین تقیه بود که حفظ شیعه را در آن اوضاع موجب شد. چیزی که خوارج به‌عنوان یک گروه افراطی، از آن بی‌بهره بودند و به همین دلیل ضربه‌های بسیار اساسی خوردند» (جعفریان، ۱۳۸۱: ۲۷۳)



تقیّه یکی از اصولی‌ترین سپرهای است که شیعه در پناه آن خود را در دوران‌های سیاه استبداد اموی نگاهداشت. چنانکه امام باقر (ع) از پدر بزرگوارش نقل کردند که فرمود: تقیه دین من و دین پدران من است، کسی که تقیه ندارد دین ندارد. (کلینی، ۱۳۷۵: ۳۶۲/۳)

### ۳- تسامح فرهنگی

مصلحت اسلام ایجاب می‌کرد که امام باقر (ع) به دفاع از عقاید اسلامی و نشر تعالیم آن بپردازد، لذا هزاران تن از علما و آموختگان علم و حدیث از شیعه و دیگران، به گرد آن حضرت، جمع آمدند. اقدامات علمی امامان شیعه، به ویژه امام باقر (ع) سبب پیدایش مکتبی با فرهنگی غنی خاص خود گردید که بعدها به مکتب جعفری شهرت یافت. (جعفریان، ۱۳۸۱: ۲۷۳) در روزگار پس از واقعه کربلا، جامعه اسلامی، به تدریج از آموزه‌های دینی تهی و تربیت دینی مردم مختل شد. امویان که سردمداران حکومت بودند، به ارزشهای جاهلی توجه داشتند و آنها را میان مردم احیا می‌کردند. در این شرایط که به لحاظ سیاسی هم بسیار سخت و دشوار بود، امام باقر (ع) با روی آوردن به احیای فرهنگ دعا و عبادت، یعنی ایجاد ارتباط با خداوند، کار خود را آغاز کرد و ادامه داد. او به احیای حدیث رسول خدا (ص) پرداخت و تلاش کرد تا دین صحیح و درست را به مردم آموزش دهد. برای همین به صورت مفصل بر صورت انجام دعا توسط مومنان تأکید کرده است، برای اینکه:

هیچ چیزی در پیشگاه خدا محبوبتر از آن نیست که بندگان از او چیزی بخواهند (و دعا کنند).

فضای الهی را چیزی جز دعا برطرف نمی‌کند. (کلینی، ۱۳۷۵: ۴۴۸/۲)

دعاهایی از امام باقر (ع) به ثبت رسیده است؛ مانند دعای آن حضرت در دل شب، (همان منبع: ۴۴۲/۲) دعای صبحگاهی، (کلینی، ۱۳۷۵: ۵۲۸/۲) دعای بعد از اطعام و برای رزق و روزی و همه‌ی حوائج دنیا و آخرت (همان: ۵۵۱/۲) و برای خروج از خانه. (همان: ۵۴۳/۲)

### ۴- مبارزه منفی

تقریباً همه شیعیان و حتی امویان به خوبی می‌دانستند که رهبران شیعه مدعی خلافت هستند و همچنانکه در کلماتی از امام باقر (ع) نقل شد، تحلیل آنان این است که خلافت حق آنها و حق آبائشان بوده است و فریض آن را به زور از دست آنها خارج کردند. (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴: ۴۴/۱۱) لاینرو شیعیان خود را از همکاری با حکام جز در مواردی که به طور استثنایی و بنا به دلایل خاصی تجویز می‌شد، منع می‌کردند، اما این مسأله در شکل یک مبارزه رسمی پیگیر و مسلحانه و شرکت در قیامهای انقلابی تحقق نیافت، بنابراین مخالفت و دعوت به عدم همکاری و مبارزه منفی از مواضع روشن و مشخص امام باقر (ع) بود. (جعفریان، ۱۳۸۱: ۲۷۶)

عقبه بن بشیر اسدی یکی از شیعیان، نزد امام باقر (ع) آمد و با اشاره به جایگاه بلند خود در میان قبیله خویش گفت: ما در قبیله خویش عریفی داشتیم که مرده است، افراد قبیله می‌خواهند مرا به جای او به عریفی برگزینند. نظر شما در این مورد چیست؟ امام

فرمود: آیا با حسب و نسب خود بر ما منت می‌گذاری؟ خدا کسانی را که مؤمنند به وسیله ایمانشان به جایگاه بلندی می‌رساند در حالی که مردم او را پست می‌شمارند و کسانی که کافرند خوار کرد در حالی که مردم او را بزرگ می‌شمارند، اما این که می‌گویی قبیله تو عریفی داشت که مرده و قبیله‌ات در نظر دارند تو را به جای او معرفی نمایند، اگر از بهشت بدت می‌آید و آن را دوست نمی‌داری، عریفی قبیله‌ات را بپذیر که اگر حاکم، خون مسلمانی را بریزد تو در خونش شریک خواهی شد و چه بسا از دنیایشان هم چیزی به دست نیاید. (کشی، ۱۳۴۸: ۲۰۴-۲۰۳) این روایت نشان می‌دهد که امام(ع) چگونه شیعیان خود را از داشتن هر مقامی در دولت حتی در حدّ عریف که مسئولیت چندانی هم نداشت منع می‌فرمود و دلیل آن را ستم حکام نسبت به مردم و شرکت این افراد در گناه آنان می‌داند.

### ۵- تبیین ولایت اهل بیت علیهم السلام

در مورد ادعای امامت در خاندان اهل بیت، ادله و شواهد تاریخی زیادی به طور وضوح دلالت بر آن دارد و این مسأله برای اغلب مردم روشن بوده و همه می‌دانستند که امامان شیعه امامت را حق منحصر به فرد خود می‌دانند. امام باقر (ع) و سایر امامان بر بطلان کار خلفای حاکم و عدم مشروعیت آنها تأکید داشتند و لزوم برقراری امامت راستین در جامعه اسلامی را برای مردم مطرح می‌فرمودند. (جعفریان، ۱۳۸۱: ۲۷۶) امام باقر (ع) در این زمینه خطاب به محمد بن مسلم از اصحاب کبارش گفته است: همچنین ای محمد (بن مسلم) هر کس از این امت، بدون امامی آشکار و عادل و منصوب از جانب خدا، به سر برد، گمراه شده و به حیرت می‌افتد و اگر در این حال بمیرد در حال کفر و نفاق مرده است. ای محمد سردمداران جور و ستم و پیروانشان از دین خدا منحرف شده و خود به ضلالت افتاده و دیگران را به راه ضلالت می‌کشاند و کارهایی که انجام می‌دهند به خاکستری می‌ماند که در روز طوفانی بادی شدید بر آن وزیده باشد و از آنچه انجام داده‌اند چیزی دستگیرشان نمی‌شود و این جز گمراهی دور کننده از حق چیز دیگری نیست. (کلینی، ۱۳۷۵: ۱/ ۱۸۴-۱۸۳) نتیجه طبیعی این کلمات سوق دادن مردم به اهل بیت و روشن ساختن آنها نسبت به جور و ستم والیان و حاکمان بر مردم بود. تکیه‌های مکرر امام(ع) بر این که ولایت در کنار نماز و روزه و حج و زکات، پنج حکم اساسی اسلام می‌باشد بر همین اساس بود، چنانکه در دنباله حدیث به‌منظور تأکید بر امر ولایت می‌فرماید: خدا مردم را به چیزی فرا نخوانده که به پایه ولایت برسد، با این حال مردم چهار تارا گرفتند و ولایت را رها کردند. (همان منبع: ۱/ ۱۸۳)

### ۶- اعتدال در مناسبات با خلفای اموی

امامت امام باقر(ع) مصادف با حکومت ولید بن عبد الملک، سلیمان بن عبد الملک، عمر بن عبد العزیز، یزید بن عبد الملک و هشام بن عبد الملک بوده است. (منتظر، ۱۳۸۷: ۱۸۳) در منابع مطالب خاصی در زمینه رابطه ولید بن عبد الملک، سلیمان بن عبد الملک و یزید بن عبد الملک با امام باقر (ع) نیامده است، اما عمر بن عبدالعزیز در ارتباط با امام (ع) به مدارا رفتار کرده و بر عکس هشام بن عبدالملک در سطح وسیعی به دشمنی با امام (ع) پرداخته است که به‌صورت مختصر به آنها اشاره می‌شود:

## أ- عمر بن عبدالعزیز

سلیمان بن عبدالملک در بستر مرگ در سال ۹۹ هجری عمر بن عبدالعزیز را به عنوان خلافت انتخاب کرد. (دینوری، ۱۳۸۰: ۳۲۴؛ مقدسی، ۱۳۷۴: ۹۲۸) عمر بن عبدالعزیز که مواجه با وضع پریشان توده‌ها و شاهد امواج خشم و تنفر شدید مردم از دستگاه خلافت بنی امیه بود، از آغاز کار در مقام دلجویی از محرومان و ستمدیدگان برآمد، سیاست منع حدیث را ملغی کرد، سب علی را ممنوع کرد و فدک را به علویان بازگرداند. (یعقوبی، ۱۳۷۱: ۳۰۵/۲) از امام صادق (ع) روایت شده است: وقتی عمر بن عبدالعزیز به حکومت رسید، به ما هدیه داد. برادرش اعتراض نموده و گفت: بنی امیه از تو راضی نیستند، چون فرزندان فاطمه را بر آنها مقدم می‌داری. عمر بن عبدالعزیز در پاسخ او گفت: من آنها را برتری می‌دهم و باکی ندارم هر چه بگویند؛ گوش نمی‌دهیم، زیرا شنیده‌ام پیغمبر فرموده است: فاطمه پاره تن من است، هر چه باعث شادمانی او شود، مرا نیز شاد می‌کند و آنچه او را ناراحت کند مرا ناراحت می‌کند، من جویای شادی پیامبرم و راضی نیستم او را ناراحت کنم. (مجلسی، ۱۳۶۳: ۶۹/۱۱) به همین دلیل، اهل سنت از امام باقر (ع) درباره او روایت کرده‌اند که آن حضرت فرمود: عمر بن عبدالعزیز نجیب بنی امیه است. (ذهبی، بی تا: ۱۱۹/۱) در خبری آمده است که زمانی امام باقر (ع) بر عمر بن عبدالعزیز وارد گردید. عمر از وی خواست تا او را نصیحت کند. حضرت فرمود: توصیه من آن است که مسلمانان کوچک را فرزند خود بدان، متوسطان آنان را برادر و بزرگانشان را پدر، به فرزندت رحم کن، به برادرت کمک کن و به پدرت نیکی. (صدوق، ۱۳۷۳: ق: ۸۰)

## ب- هشام بن عبدالملک

در دوران اموی بیشترین فشارها از ناحیه هشام بن عبدالملک به اهل بیت علیهم السلام وارد می‌شد و کلمات تند و ناسزاهای او بود که زید بن علی را در کوفه (به سال ۱۲۲) به قیام علیه او واداشت. در ملاقاتی که میان هشام و زید روی داد، هشام حتی ابو جعفر محمد بن علی (ع) را مورد اهانت قرار داد و با استهزاء و ایذاگری خاص اموی، امام (ع) را که باقر لقب داشت «بقره» نامید. زید که از برخورد بی ادبانه او ناراحت شده بود گفت: رسول خدا (ص) او را باقر نامید ولی تو بقره می‌نامی، اختلاف تو با رسول خدا (ص) بسیار است. در آخرت نیز با آن حضرت مخالفت می‌کنی، همچنانکه در دنیا مخالفت کردی. آن زمان او داخل بهشت و تو داخل آتش خواهی شد. (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴: ق: ۱۳۲/۷) در حضور هشام، شخصی مسیحی، رسول خدا (ص) را دشنام داد و او هیچ واکنشی از خود نشان نداد که بعدها زید روی همین مسأله حساسیت عجیبی از خود نشان می‌داد. چنانکه گفته شده، این برخوردها انگیزه اصلی و مهم قیام زید بر ضد حکومت اموی بود که حقا سرآغاز پیدایش قیامهای متوالی در سرزمین پهناور اسلام به ویژه نواحی شرقی و ایران بر علیه امویها گردید. (جعفریان، ۱۳۸۱: ۳۲۱) عبدالله زهری گفته است: هشام بن عبدالملک به مکه رفت و داخل مسجد الحرام شد، که تکیه بر غلامش بنام سالم داشت. حضرت باقر (ع) نیز یک طرف مسجد نشسته بود. سالم به او گفت: این مرد محمد بن علی ابن الحسین است. هشام گفت: همان کسی که اهل عراق او را از جان دوست دارند؟ گفت آری.



هشام گفت: برو به او بگو، امیر المؤمنین می‌گوید مردم در قیامت چه می‌خورند و می‌آشامند تا از حساب آسوده شوند. امام (ع) فرمود: در سرزمینی محشور می‌شوند که برای آنها قرصهای نان سفیدی هست و نهرها جاریست می‌خورند و می‌آشامند تا حساب پایان پذیرد. هشام به خیال خود پیروز شده گفتک الله اکبر برو به او بگو مردم آنقدر در قیامت گرفتارند که کسی به فکر خوردن و آشامیدن نیست. امام (ع) فرمود: به او بگو در جهنم بیشتر از روز قیامت گرفتارند، باز هم خوردن و آشامیدن فراموش نمی‌کنند چنانچه خداوند از زبان آنها نقل می‌کند: «أَفِيضُوا عَلَيْنَا مِنَ الْمَاءِ أَوْ مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ» «یک کم آب بما بدهید یا از نعمتهائی که خدا به شما داده». هشام بن عبد الملک ساکت شده چیزی نگفت. (مجلسی، ۱۳۶۳: ۱۱/۲۳۹)

### نتیجه

امام محمد باقر (ع) پنجمین امام شیعیان بعد از شهادت امام سجاد (ع) در سال ۹۴ هجری به‌عنوان امامت دست یافت و تا سال ۱۱۷ هجری امور شیعیان را در برهه‌ای خاص پیش برد. در دوران امامت امام باقر (ع) به علت سیاست ظالمانه امویان جهان اسلام در رکود و سکون به سر می‌برد. علت این سکون و رکود در سیاست‌های ظالمانه و نژادپرستانه‌ای بود که زمینه نارضایتی اکثریت مردم را فراهم کرده بود. اضمحلال خاندان اموی، نابسامانی اوضاع شیعیان، تغییر سیاست منع حدیث و نابسامانی‌های فرهنگی جهان اسلام از ویژگیهای دوران امامت امام باقر (ع) می‌باشد، که تاریخ گواه است که امام باقر (ع) در طول ۲۳ سال فعالیت، شیعه را از یکی از سخت‌ترین دورانهای حیات خویش عبور داد؛ که برای این کار راهبردهایی شامل: عدم دخالت در جریانهای سیاسی، سازماندهی فعالیت مخفیانه با تأکید بر اصل تقیه، اقدامات فرهنگی، مبارزه منفی و تبیین ولایت اهل بیت علیهم السلام داشته است. امامت امام باقر (ع) مصادف با حکومت ولید بن عبد الملک، سلیمان بن عبد الملک، عمر بن عبد العزیز، یزید بن عبد الملک و هشام بن عبد الملک بوده است. در منابع مطالب خاصی در زمینه رابطه ولید بن عبد الملک، سلیمان بن عبد الملک و یزید بن عبد الملک با امام باقر (ع) نیامده است، اما عمر بن عبد العزیز در ارتباط با امام (ع) به مدارا رفتار کرده و بر عکس هشام بن عبد الملک در سطح وسیعی به دشمنی با امام (ع) پرداخته است که امام (ع) با سنجش درست موقعیت‌ها و علم بیکرانیش توانست از مشکلات به وجود آمده عبور نماید. امام باقر (ع) سر انجام در سن پنجاه و هفت سالگی و به سال ۱۱۷ هجری به شهادت رسیده است.

### منابع و ماخذ :

قرآن کریم، ترجمه الهی قمشاهای

ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبه الله (۱۴۰۴)، شرح نهج البلاغه، قم: انتشارات آیه الله مرعشی نجفی.

ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۳۶۳)، تحف العقول، بتحقیق: علی اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین.

ابن شهر آشوب، محمد بن علی، (۱۴۱۱ق)، مناقب آل ابی طالب، نجف، مکتبه الحیدری

ابن منظور، (۱۴۰۸ق)، لسان العرب، بیروت، دار الحیا التراث العربی

- ارلی، علی بن عیسی، (۱۳۸۱)، **کشف الغمه فی معرفة الانمئة**، تحقیق سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی، تبریز.
- اصفهانى، ابوالفرج، (۱۹۸۷)، **الاجانى**، قاهره، دارالکتب المصریه، الطبعة الاولى
- امین، سید محسن، (بی تا)، **اعیان الشیعه**، تحقیق حسن امین، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات.
- جوهری، اسماعیل بن حماد، (۱۴۰۷ ق)، **الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیه**، تحقیق احمد بن عبدالغفور عطار، بیروت، دار العلم للملایین
- حر عاملی، (بی تا)، **وسایل الشیعه**، بیروت، دار احیا التراث العربی
- حسنی، ابن عنیه، (۱۴۱۷ ق)، **عمدة الطالب فی أنساب آل أبی طالب**، قم، انصاریان
- خضری، احمد رضا، (۱۳۹۱)، **تشیع در تاریخ**، قم، معارف، چاپ اول
- دینوری، ابن قتیبه، (۱۳۸۰ ش)، **امامت و سیاست (تاریخ خلفاء)**، ترجمه سید ناصر طباطبایی، تهران، فتنوس،
- ذهبی، شمس الدین، (بی تا)، **تذکره الحفاظ**، بیروت، دار احیاء التراث العربی
- سبط بن الجوزی، (۱۳۷۹)، **تذکره الخواص من الأمة فی ذکر خصائص الأئمئة**، ترجمه محمدرضا عطانی، مشهد، آستان قدس رضوی
- صدوق، (۱۴۰۳ ق)، **الخصال**، تصحیح علی اکبر غفاری، قم، جامع مدرسین
- طبرسی، ابو علی فضل بن حسن، (۱۳۷۹)، **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**، بیروت، احیا التراث العربی
- طبری، محمد بن جریر، **تاریخ الرسل و الملک**، ج پنجم، تهران، اساطیر، ۱۳۷۵ ش
- مجلسی، **بحار الانوار**، تهران، اسلامیة، ۱۳۶۳ ش
- محسن امین، **اعیان الشیعه**، بیروت، دارالتعارف، افست سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد
- مسعودی، علی بن حسین، (۱۳۶۲ ش)، **إنبات الوصیة**، ترجمه محمد جواد نجفی، تهران، اسلامیة
- مقدسی، محمد بن طاهر، (۱۳۷۴ ش)، **البدء و التاریخ**، ترجمه محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران، آگه، ج اول
- مفید، محمد بن نعمان، (۱۳۸۰ ش)، **الارشاد**، ترجمه محمدباقر ساعدی خراسانی، تهران، اسلامیة
- منتظر القائم، اصغر، (۱۳۸۷)، **تاریخ امامت**، قم، دفتر نشر معارف، ۱۳۸۷ ش، چاپ ششم
- نجاشی، احمد بن علی، (۱۴۰۷ ق)، **رجال النجاشی**، قم، جامعه مدرسین
- یعقوبی، ابن واضح، (۱۳۷۱)، **تاریخ یعقوبی**، ج ششم، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، تهران، علمی و فرهنگی